

مسعود سعد، شاعر تبعید و تنهایی

مسعود در حدود سی سال از عمر گرانبمایه خود را در زندان‌های تنگ و تاریک غزنوی و در جوار تنهایی و غربت و اندوه سپری کرد. تنها معالجات جان دردمند و خسته شاعر در این دوران توان فرسا قریحه بلند و ذوق سرشار شاعری او بود. مسعود در این مدت اشعاری در شرح حال و روز و رنج و غربت خود در زندان سرود و چنان استادانه طبع آزمایی کرد که نامدارترین حبسیه سرای ادب فارسی لقب گرفت.

مرحوم رشید یاسمی نخستین بار در سال ۱۳۱۸ ه. ش دیوان مسعود را تصحیح و منتشر کرد. تقریباً نیم قرن پس از وی دیوان مسعود سعد بار دیگر به تصحیح دکتر مهدی نوریان در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسید و در اختیار ادب دوستان گذاشته شد. در خارج از مرزهای ایران نیز پژوهش‌گران حوزه ادب فارسی به مطالعه و تحقیق در این باره پرداخته‌اند. تازه‌ترین مطالعه‌ای که در این زمینه انجام شده است کتابی است با عنوان شعر فارسی در مرز هند که به بررسی ابعاد گوناگون زندگی مسعود و اشعار او اختصاص دارد. این اثر در اصل رساله دکتری سونیل شارما مؤلف کتاب است که زیر نظر استاد حشمت مؤید انجام شده است. مؤلف که در هندوستان متولد شد برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و در سال ۱۹۹۹ م. دکترای ادبیات فارسی را از دانشگاه شیکاگو اخذ کرد. وی پنج سال کتابدار دانشگاه هاروارد بود و در همان دانشگاه زبان فارسی و ادبیات اردو تدریس می‌کرد. اکنون یک سال است که دکتر شارما در دانشگاه بوستون دانشیار زبان و ادب فارسی است. کتابی درباره امیر خسرو دهلوی اخیراً از وی منتشر شده است. دور بودن از سرزمین مادری یکی از انگیزه‌های مؤلف در پرداختن به مضمون تنهایی و تبعید بوده است.

همچنان که گفتیم در روزگار گذشته ایران و هند مرز مشترکی داشته‌اند و شاعر در نقطه تلاقی این دو فرهنگ می‌زیسته است. این تعامل فرهنگی و بازتاب آن در شعر مسعود سعد و دور ماندن وی از سرزمین مادری نکته‌ای است که نگاه مؤلف را به خود جلب کرده است. این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول، نویسنده به درهم تنیدگی وقایع تاریخی عصر غزنوی و حال و روز شخص شاعر با اشعار او پرداخته است. وی بر آن است که این حوادث تأثیر خاصی به

■ Persian Poetry at the Indian Frontier (Mas'ud Sa'ad

Salman of Lahore) : Sunil Sharma

Published by: Permanent Black, 2000.

■ شعر فارسی در مرز هند (مسعود سعد سلمان)

نویسنده: سونیل شارما

نشر: پرمنت بلک، ۲۰۰۰ م.

روزگاری است سخت بی‌بنیاد

کس گرفتار روزگار مباد

صد در افزون زدم به دست هنر

که به من بر فلک یکی نگشاد

بار انده مرا شکست آری

بشکنند چون دو تا کنی پولاد

(ق ۶۱)

مسعود سعد شاعر نامدار ایرانی است که در اواخر قرن پنجم ه. ق در لاهور چشم به جهان گشود. لاهور در آن روزگار، بخشی از هند بود و با سرزمین پهناور ایران هم‌مرز بود. دو فرهنگ کهن ایرانی و هندی از دیرباز با یکدیگر تعامل و تبادل داشته‌اند و ریشه‌های اساطیری آن در متون به جا مانده است. قلمرو زبان و ادب فارسی در دوران گذشته بخش وسیعی از سرزمین هند را درنوردید و این گفت‌وگوی فرهنگی دستاوردهای ارزشمندی به جا نهاد. تولد مسعود سعد بزرگ‌ترین حبسیه سرای ایران در آن دیار نمونه‌ای از این دستاوردهای فرهنگی و ادبی است.

نیاکان مسعود سعد که همدانی بودند در روزگار غزنوی راهی هندوستان شدند و در دربار آن حکومت جایگاه بلندی یافتند. مسعود نیز به یاری «سخن جانفزا» و طبع بلند خویش و دلآوری‌هایی که در جنگ‌ها از خود نشان داد، توانست در دربار غزنوی مقام و اعتبار والایی بیابد. اما روزگار این فضل را برنتابید و شاعر پس از چندی به اتهام پیوستن به دربار سلجوقی به دستور سلطان ابراهیم غزنوی تبعید و زندانی شد. مسعود



روزهای مسعود پرداخته است، تأثیر پذیرفتن شاعر از محیط هند و قالب باراماسا هندی را در سرودن بدین شیوه محتمل می‌داند. نویسنده با توجه به اظهارات شاعر در اشعارش ابتکارات وی را این موارد ذکر کرده است:

۱. استعداد و مهارت شاعر در هر دو قالب نظم و نثر
۲. دو زبانه بودن
۳. بهره جستن از قالب‌های گوناگون شعری در سروده‌هایش
۴. حبسیه سرایی او

میزان توجه به شعر مسعود در هزاره‌ اخیر موضوع آخرین فصل کتاب است. در این فصل نویسنده پس از بیان جایگاه بلند مسعود در میان شاعران معاصر او، بدین نکته تأکید ورزیده که در ایران از دیرباز شخصیت مسعود تنها از دریچه حبس وی مورد توجه بوده است و وی به عنوان شاعری زندانی شناخته شده است. مؤلف معتقد است جایگاه مسعود در هند همچون ایران تکریم نشده است. این فصل با سخنی از تازه‌ترین مطالعاتی که درباره‌ این شاعر انجام شده به پایان می‌رسد.

از نکات برجسته‌ای که در این پژوهش به چشم می‌خورد این است که مؤلف در جای جای اثر خود از شاعران ایرانی و غیر ایرانی و آثارشان به تناسب موضوع بحث یاد می‌کند و به اقتضای کلام قراین ادبی برای نگاه ادبی و آثار و اوضاع شاعر از تاریخ ادب ایران و دیگر ملل ارائه می‌کند. بدین ترتیب این اثر چشم‌اندازی به ادبیات تطبیقی دارد. انجام چنین پژوهشی صدها سال پس از حیات شاعر و آن هم به قلم محقق غیر ایرانی حاکی از اهمیت جایگاه مسعود در سنت ادب فارسی است.

ترجمه فارسی کتاب به قلم نگارنده این سطور رو به اتمام است و امیدواریم در آینده نزدیک در اختیار خوانندگان قرار گیرد. در مراحل گوناگون ترجمه کتاب از راهنمایی‌ها و لطف و عنایت مؤلف بهره جسته‌ایم.

پانویس:

۱. مؤلف واژه alienation را به کار برده است.

سروده‌های مسعود بخشیده است. مؤلف اساساً در این اثر در پی یافتن تازگی‌های اشعار مسعود و یا به قول خودش «غرابت‌های» شعری است که موقعیت‌های گوناگون شخصی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی آن روزگار زمینه‌ساز ظهور و بروز آن بوده است.

در فصل دوم پس از سخنی در باب شاعرانی که از غربت شکوه سرداده‌اند، نویسنده به دور افتادن مسعود از دربار غزنین که کانون ادب و فرهنگ آن روزگار بوده می‌پردازد. وی دل‌تنگی مسعود سعد و اشتیاق بسیار برای حضور در غزنه را از عواملی خوانده که لحن تازه‌ای به سروده‌های شاعر بخشیده است. در خلال این مباحث، نویسنده به دور ماندن ناصر خسرو و سنایی از سرزمین مادری و بازتاب آن بر اشعارشان گریزی می‌زند، فصل سوم با بحث درباره‌ نوع ادبی حبسیه و پیشینه آن در ادب فارسی آغاز می‌شود. نگارنده کتاب، حبسیه را دستاورد تلاقی حال و روز شاعر و مهارت شعری او می‌خواند و به عنوان شاخص‌ترین جلوه ابتکار و نوآوری دیوان شاعر آن را بررسی می‌کند. وی پس از بیان موضوعات متنوعی که مسعود در حبسیات خود از آن داد سخن داده است، به ذکر اهداف شاعر از آوردن تخلص «مسعود» در اشعارش می‌پردازد. انواع ادبی و قالب‌های شعری تازه موضوع فصل چهارم است. مؤلف پس از ذکر مطالبی درباره‌ قالب‌های شهر آشوب، مستزاد و... به بررسی آثار شاعر در هر یک از این قوالب می‌پردازد و بهره جستن از این قالب‌های ادبی را دستاورد تلاش وی برای ایجاد تنوع در روش سنتی مدیحه‌سرایی می‌خواند. نگارنده کتاب آنجا که به بررسی اشعار ماه‌ها و